

دسته‌بندی و اعتبارسنجی صدوری روایات «وجه الله» در مصادر شیعی

ابوالفضل توسلی زاده (دکتری مدرسی معارف گرایش مبانی نظری اسلام دانشگاه قم، استاد سطوح عالی حوزه)

chelcheragh2@gmail.com

(دریافت ۱۴۰۲/۷/۲۱ پذیرش ۱۴۰۲/۱۲/۲۱)

چکیده:

از جمله غرر آیات قرآن، آیات ۱۱۵ بقره و ۸۸ قصص است که مشتمل بر عنوان «وجه الله» می‌باشند. این آیات در مباحث عرفان نظری و حکمت متعالیه در تبیین نفس رحمانی و مقام انسان کامل مورد استناد قرار می‌گیرند. در تفسیر این آیات، روایات فراوانی در منابع شیعی وارد شده که با وجود اهمیتشان، مورد دسته‌بندی و اعتبارسنجی صدوری قرار نگرفته‌اند. در مقاله حاضر، روایات وجه الله ابتدا جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و سپس به روش رجالی، سندپژوهی و اعتبارسنجی صدوری شده‌اند. در مجموع، ۳۱ روایت در تفسیر وجه الله دسته‌بندی شد. از این تعداد، ۱۵ روایت با ۲۷ سند مختلف مربوط به تطبیق آن بر معصومین علیهم‌السلام است که در معتبرترین کتاب‌های روایی شیعی نقل شده‌اند. تعابیر مختلفی درباره منطبقی علیه وجه الله وجود دارد که برخی عام و برخی خاصند. از جمله: پیامبران، رسولان و حجّت‌های خداوند، پیامبر اکرم و جانشینان ایشان، امیرالمؤمنین و امام زمان علیه‌السلام. شایان ذکر است که از بین این روایات، سه مورد صحیح‌السند و برخی دیگر قابل اعتمادند. اما بیشتر آنها از جهاتی همچون: مجهول بودن برخی راویان، ارسال، ضعف راوی و مواردی از این دست، دارای ضعف سندی هستند که با توجه به وجود روایات صحاح در بین آنها، در مجموع قابل اعتمادند.

کلیدواژه‌ها: وجه الله، اعتبارسنجی حدیث، سندپژوهی، وجود منبسط، نفس رحمانی.

۱- درآمد

خداوند متعال در آیه ۸۲ سوره نساء و آیه ۲۴ سوره محمد، ما را به تدبّر در آیات قرآن کریم و استمساک به این ریسمان آویخته از ملکوت، امر کرده است. آنجا که می‌فرماید: «آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟!»، (نساء: ۸۲؛ محمد: ۲۴)

آیه ۱۱۵ سوره بقره و آیه ۸۸ سوره قصص، از جمله آیات معارفی قرآن کریم هستند. خداوند متعالی در این آیات می‌فرماید: «مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، چهره خدا آنجاست. خداوند بی‌نیاز و داناست.» (بقره: ۱۱۵).

«معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست. همه چیز جز چهره‌اش فانی می‌شود. حاکمیت تنها از آن اوست و همه بسوی او بازگردانده می‌شود!» (قصص: ۸۸).
در تبیین و تفسیر «وجه الله» لازم است که علاوه بر توجه به ظواهر مفردات و مرکبات آیه، قرائن داخلی و خارجی مرتبط با آن نیز بررسی شود. قرائن داخلی آیه، همان سیاق آیه، کلمات و آیات قبل و بعد از آن است. مراد از قرائن خارجی هم، روایات مرتبط با این آیه است. در بررسی روایات نیز دو مرحله اصلی وجود دارد:

مرحله اول: بررسی صدوری روایات؛

مرحله دوم: بررسی دلالتی روایات.

در نوشتار حاضر به مرحله اول توجه می‌شود و روایات مربوط به تفسیر وجه الله از منابع شیعی استخراج، دسته‌بندی و مورد بررسی دقیق سندی قرار می‌گیرد. اهمیت بررسی صدوری این روایات از این جهت است که این روایات مورد استناد اندیشمندان اسلامی واقع شده است. عموم پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام برای نمایاندن مقام والای ائمه علیهم‌السلام از این روایات بهره می‌برند. محدثان شیعه در منابع اولیه با ارائه این روایات در ابواب مربوط به فضائل ائمه علیهم‌السلام، عظمت وجودی آن انوار مقدس را به رخ دوستان و دشمنان کشیده‌اند (صفار، ۱۴۰۴: ۶۰).
همچنین به‌طور خاص پیروان حکمت متعالیه و عرفان نظری در تأیید نظام فلسفی و عرفانی خود در مورد جایگاه انسان کامل، به ذکر این نوع از روایات همت می‌گمارند. آنان معتقدند که وجه الله همان نفس رحمانی حق و صادر نخستین یعنی وجود منبسط و ظهور تام حضرت حق است که انسان کامل در سیر صعود به آن مقام ظلّ الهی نائل می‌آید و مظهر تام حضرت احدیت قرار می‌گیرد (خمینی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

با توجه به عدم توجه سندشناسان به بررسی صدوری این روایات و عدم وجود پیشینه در این زمینه، با بررسی سندی این روایات، میزان اعتبار و ارزش این روایات بر ما معلوم می‌شود و صحت یا عدم صحت انتساب این کلمات به ائمه علیهم‌السلام مشخص می‌گردد و برای مرحله دوم اعتبارسنجی این روایات از نظر دلالتی پایه و اساسی قرار می‌گیرد.

همچنین بررسی اسناد این روایات برای مشخص کردن وضعیتشان لازم و ضروری است. تنها

پس از بررسی این روایات معلوم خواهد شد که آیا به حدّ تواتر می‌رسند یا در محدوده اخبار آحاد می‌باشند؟ در مورد حجّیت اخبار متواتر که یقین‌آورند، اختلافی وجود ندارد؛ زیرا حجّیت علم و یقین ذاتی است نه تعبّدی (انصاری، ۱۴۱۶: ۴/۱) اما در مورد حجّیت روایات که جزء ظنّون خاصّه محسوب می‌شوند، در بخش‌های مختلف معارف دینی تفاوت وجود دارد. در مورد حجّیت اخبار آحاد در تفسیر قرآن کریم چند دیدگاه وجود دارد. برخی از مفسّرین معاصر مانند محقق خویی و آیت الله معرفت، موافق حجّیت خبر واحد در تفسیرند (خویی، ۱۴۳۰: ۳۹۸؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۲۲/۲) و برخی دیگر از بزرگان معاصر مانند علامه شعرانی و علامه طباطبایی به تبع شیخ طوسی، با حجّیت اخبار آحاد در تفسیر مخالفند (طوسی، بی تا: ۶/۱؛ کاشانی، ۱۳۴۶: ۳۱/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۲/۱۲). علامه جوادی آملی، مسائل دین را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: الف) احکام عملی، که در آن جای تعبّد و عمل است و در این بخش، علاوه بر قطع و اطمینان، ظنّ خاص نیز راه‌گشا است. ب) معارف اعتقادی، که روایات معصومان علیهم‌السلام در این بخش، خود دو دسته‌اند: دسته اول: روایاتی که در «اصل صدور»، «جهت صدور» و «دلالت بر محتوا» قطعی هستند. این روایات به فرض یافت شدن، در معارف دینی حجّتند. دسته دوم: روایاتی که در ارکان سه‌گانه مزبور فاقد یقین هستند و در نتیجه یقین‌آور نبوده بلکه تنها مفید ظنّ و گمان‌اند. ایشان معتقد است که این‌گونه روایات ناظر به سه بخش است:

بخش اول: معارف اصول دین (مثل توحید، نبوت، معاد و اصل وجود بهشت و جهنّم). در این‌گونه معارف که از اصول دین است و اعتقاد به آن ضروری است و یقین و جزم در آن معتبر است، با ادلّه نقلی ظنّی نمی‌توان به یقین دست یافت. از این رو، این‌گونه از ادلّه نقلی در این بخش حجّت نیستند.

بخش دوم: معارفی که از اصول دین نیستند تا اعتقاد تفصیلی به آنها ضروری باشد، بلکه ایمان اجمالی درباره آنها کافی و کارساز است، مانند این که حقیقت عرش، کرسی، لوح و قلم و فرشته چیست. در این بخش، انسان می‌تواند به علم اجمالی و یقین مجمل، نه مفصّل، قانع شود، بنابراین، در این موارد می‌توان به ایمان اجمالی بسنده کرد و مفاد روایت ظنّی را نیز در حدّ احتمال پذیرفت.

بخش سوّم: معارفی که بیانگر مسایل علمی و آیات الهی در خلقت‌اند. مانند این که آسمانها و زمین در آغاز آفرینش «رتق» و بسته بوده، سپس «فتق» و گشوده شده است. اخبار و روایاتی که مبین این بخش از معارف هستند، نه ثمره عملی دارند و نه جزم علمی در آنها معتبر است. در این بخش نیز روایات غیر قطعی در حدّ احتمال، قابل پذیرش است ولی حجّت تعبدی نیستند. زیرا ادلّه حجّیت خبر واحد، راجع به مسایل عملی و تعبدی است و در مسایل علمی نمی‌توان کسی را بدون حصول مبادی تصدیقی متعبد به علم کرد.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۵۶/۱).

روایات وجه الله از جهتی مربوط به بحث «توحید» می‌شوند و از جهتی در بحث «امامت» مطرحند اما جزء مسائلی نیستند که اعتقاد تفصیلی و جزئی در موردشان لازم و ضروری باشد. بنابراین ظنّ حاصل از اخبار آحاد در مورد آنها حجّیت و ارزش دارد و احتیاجی به کسب یقین و اطمینان نیست بلکه اعتقاد اجمالی کفایت می‌کند.

۲- معنای وجه الله

فهمیدن معنای عبارت‌ها نیازمند بررسی‌های لغوی و اصطلاحی است. بدین منظور ابتدا عبارت «وجه‌الله» در لغت و سپس در ادبیات دینی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

۲-۱ وجه الله در لغت

این واژه از ترکیب اضافی دو واژه «وجه» و «الله» تشکیل شده است.

«وجه» اسم مصدر از فعل ثلاثی مجرد «وجه یجه» به معنای روبروی هر چیزی است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶۶/۴). بنابراین ذات، عمل، ظاهر چیزی که در مستقبل آن قرار گرفته، حالت مخصوصی که جلب نظر می‌کند، منزلت، رتبه، جاه و مقامی که باعث توجه شود و جانب، مکان و جهت مورد توجه از مصادیق این معنی هستند (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۴۵/۱۳). لفظ جلاله «الله» اسم خاص و جامع‌ترین نام‌های خداست. هر یک از اسامی پروردگار، یک بخش خاص از صفات خدا را منعکس می‌سازد، تنها نامی که در بردارنده تمام صفات و کمالات الهی، یا به تعبیر دیگر جامع صفات جلال و جمال است، همین «الله» می‌باشد (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۱/۱).

همانطور که عقول انسان‌ها در ذات و صفات خداوند متعال متحیر است، در مورد لفظ

«الله» هم که دلالت بر آن ذات متعالی دارد، اختلافات فراوانی وجود دارد. در «عربی، عبرانی یا سریانی بودن این کلمه»، «اسم یا صفت بودن آن»، «مشتق یا جامد بودن این کلمه» و «علم یا غیر علم بودن این واژه» اختلاف شده است. هر شخصی به یکی از این موارد قائل شده است (یزدی، ۱۴۱۲: ۱۳۳).

۲-۲ وجه الله در قرآن کریم و روایات

ترکیب «وجه الله» چهار بار در قرآن کریم استعمال شده است:

«مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست!» (بقره: ۱۱۵).

«هدایت آنها (به طور اجبار) بر تو نیست (بنابر این، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست) ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می کند. و آنچه را از خوبی ها و اموال انفاق می کنید، برای خودتان است. (ولی) جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبی ها انفاق می کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می شود و به شما ستم نخواهد شد.» (بقره: ۲۷۲).

«آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند.» (روم: ۳۹).

«(و می گویند:) ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم!» (انسان: ۹)

امام صادق علیه السلام در ردّ برداشت مادی از این ترکیب به یونس بن ظبیان فرمودند: «کسی که گمان کند خداوند مانند مخلوقین صورت و سیمایی دارد، به خدا شرک ورزیده است ... بلند مرتبه است خداوند از آن صفات مخلوقین که مشتهه به او نسبت می دهند.» (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۵۶).

مفسران در بیان مفهوم «وجه الله» در قرآن کریم آراء مختلفی ارائه نموده اند. حسن و مجاهد آنرا به «جهت قبله» یعنی «کعبه» تفسیر کرده اند. رمانی و جبائی وجه الله را «رضوان الله» معنی نموده اند (طوسی، بی تا: ۱/ ۴۲۴). برخی هم وجه الله را به معنای «در مرأی و منظر خدا»

دانسته‌اند. یعنی به هر جا رو کنید خداوند آنجا را می‌بیند و می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۶۴).

۳-۲ وجه الله در اصطلاح اهل معرفت

در عرفان نظری، بعد از مقام ذات که در دسترس کسی قرار نمی‌گیرد، شش مقام و مرتبه کلی ترسیم شده است. دو مرتبه نخست از این تعینات در صقع ربوبی است و به آنها «تعینات حقی» گویند و سه مرتبه دیگر نیز خارج از صقع ربوبی است و آن‌ها را «تعینات خلقی» می‌نامند. مرتبه احدیت و واحدیت، تعین حقی و عالم ارواح، مثال و ماده از تعینات خلقی محسوب می‌شوند. وجود منبسط هم مرتبه جامع همه این مراتب کلی است و در همه تعینات حقی و خلقی از مقام تعین اول تا انتهای عالم ماده، سریان دارد و شامل فیض اقدس و مقدس می‌شود. وجود منبسط همان تجلی واحد حق تعالی است که با نام‌های مختلفی چون «نفس رحمانی، وجه الله، رق منشور، حقیقت محمدیه، جوهر و...» نامیده می‌شود (یزدان پناه، ۱۳۹۳: ۳۰۰ و ۵۳۹). عرفا در تفسیر نفس رحمانی، اقوال متعددی دارند. ابن عربی، وجه الله را منشأ تجلیات متکثر و همان وحدتی می‌داند که همه تجلیات به آن باز می‌گردد (ابن عربی، بی تا: ۲/ ۴۱۷). از نظر وی، وجه الله، ظهور حق در صورت هر چیزی است. وجه الله غیر از ذات خدای سبحان است؛ هر چند به حمل حقیقت و رقیقت با ذات خداوندی متحد است (تسنیم، ۱۳۹۰: ۶/ ۲۷۴).

۳-۱ نقل و دسته‌بندی روایات وجه الله در منابع شیعه

در منابع شیعی، روایات فراوانی در تفسیر وجه الله وجود دارد. روایاتی که در آنها عنوان وجه الله آمده به چند دسته کلی قابل تقسیم‌اند:

برخی روایات مربوط به توسعه قبله در نمازهای واجب در حالت اضطرار با استناد به آیه ۱۱۵ بقره است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/ ۴۹). برخی دیگر از روایات، انزال آیه ۱۱۵ بقره را مربوط به قبله در نمازهای نافله می‌داند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۶). در این روایات، به جنبه ظاهری آیه در فقه اصغر پرداخته شده و تولی به سوی قبله به عنوان تولی به سوی وجه الله معرفی شده است. در برخی از روایات، به تمثیلی عرفی در معنای وجه الله اشاره شده است. در توحید صدوق در ضمن روایتی طولانی از جناب سلمان فارسی نقل شده است که بعد از وفات پیامبر اکرم

جاثلیق (عالم مسیحی) وارد مدینه شد و سؤالاتی را از خلیفه اول پرسید. ابوبکر از پاسخ دادن عاجز ماند. جاثلیق را به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند. یکی از سؤالاتی که جاثلیق از ایشان پرسید این بود: «در مورد وجه پروردگار برای من توضیح بفرمایید». حضرت دستور دادند که هیزم و آتشی فراهم کنند و از جاثلیق پرسیدند: «وجه این آتش کجاست؟» جاثلیق پاسخ داد: «همه جایش وجه آن است.» امام علی علیه السلام فرمودند: «این آتش یک مخلوق است و وجه آن معلوم نمی‌شود (در یک جای آن خلاصه نمی‌شود) و خالق آن شباهتی به آن ندارد.» سپس آیه ۱۱۵ بقره را تلاوت کردند و در پایان فرمودند: «هیچ چیز مخفی‌ای بر پروردگارمان پنهان نمی‌باشد.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۸۲).

برخی از روایات، به ذکر بعضی از مصادیق وجه الله اختصاص یافته است. در یکی از این روایات «دین خدا» به عنوان یکی از مصادیق معرفی شده است (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۱۸). در روایتی دیگر، «توجه به امر خداوند متعال»، وجه الله دانسته شده که «مقصود قرارداد خداوند و امید به ثواب او» وجه الله است (منسوب به امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۴۹۵). در روایتی دیگر وجه الله به «مأمور به خداوند» که همان «اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام پس از ایشان» هستند، تفسیر شده است (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۴۹). در روایتی دیگر (وجهه) در آیه ۸۸ قصص به «من اخذ الطريق الذی انتم علیه» (کسی که راهی را که شما برگزیدید پیروی کند) (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۱۹۹) و در روایتی دیگر «من اخذ طریق الحق» (کسی که راه حق را برگزیده است) (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۴۹) معنی شده است.

در برخی از روایات به کامل‌ترین مصداق وجه الله اشاره شده است. از جمله:

در روایتی وارد شده که اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام در مورد معنای روایت «ثواب کلمه لا اله الا الله همانند ثواب نظر کردن به وجه خدا است» پرسید، حضرت فرمودند: «کسی که خدا را به وجهی همانند سایر وجوه وصف کند، کافر است. بلکه پیامبران، رسولان و حجّت‌های خداوند صلوات الله علیهم وجه الله هستند که دیگران توسط آنان به خدا، دین و معرفت او رو می‌کنند.» (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۶۰).

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: «ما وجه الله هستیم که باید از

جانب ما به خدا نزدیک شد.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۶۶). در روایتی دیگر فرمودند: «ما وجه خدا هستیم که هلاک نمی‌شود.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۵۰). در روایت کافی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان وجهی که هلاک نمی‌شود، معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۳).

در روایت دیگری وارد شده است که خثیمه در مورد آیه ۸۸ قصص از امام صادق علیه السلام سؤال پرسید. حضرت فرمودند:

«منظور دین خداست. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام دین خدا، وجه خدا، عین خدا در بین بندگان، لسان خدا هستند که با آن سخن می‌گویند و دست خدا بر مخلوقاتش هستند.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۵۱).

امام باقر علیه السلام فرمودند: «ما وجه خداییم که در زمین بین شما رفت و آمد می‌کنیم.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۶۶). در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«خدای عزّ و جلّ ما را آفرید و آفرینش ما را نیکو گردانید و ما را انگاشت و صورت‌های ما را نیکو ساخت و ما را در میان بندگان، چشم خود گردانید و زبان گویای خود در میان آفریدگانش قرار داد. چه ایشان چون زبان او، امر و نواهی او را به مردم می‌رسانند و دستش که بر بندگان به رأفت و رحمت گشوده و وجه خود که از آن رو به او می‌روند و بجنابش می‌رسند و درهای معرفت خویش که بر او دلالت می‌کنند و خزینه‌دارانش در آسمان زمینش» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۴؛ صدوق، بی تا: ۱۴۷).

امام باقر علیه السلام در پاسخ به شخصی که از آیه ۸۸ قصص پرسیده بود، فرمودند: «به خدا سوگند، ما همان وجه خداییم که فرمود و تا روز قیامت هلاک نخواهیم شد؛ به سبب امر خداوند به اطاعت و دوستی ما.» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۴/۲۹۶). در نقلی دیگر، ادامه روایت چنین آمده: «و کسانی که به او امر الهی در مورد اطاعت و دوستی ما عمل کنند، در روز قیامت هرگز هلاک نخواهند شد.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۶۵).

امام صادق علیه السلام به داوود بن کثیر فرمودند: «ای داود! نماز و زکات و روزه و حج و ماه حرام و بلد حرام (مکه) و کعبه خدا و قبله خدا و وجه خدا در کتاب خدای عزّ و جلّ مائیم.»

(استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲۲). از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: «ما أولینها و آخرین‌هاییم. ما سبقت گیرندگانیم. ما تسبیح‌کنندگان و شفاعت‌کنندگانیم. ما کلمه خداییم. ما دوستان خداییم. ما وجه خداییم...» (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۶۱). امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «امام، کلمه خدا، وجه خدا، حجّت خدا، نور خدا، حجاب خدا و آیه اوست...» (همان: ۱۷۷) حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام در مورد آیه ۱۱۵ بقره فرمودند: «علی عَلَيْهِ السَّلَام است.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۲۷۲). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «من رسول خدا هستم که از طرف او تبلیغ و هدایت می‌نمایم و تو وجه‌الله می‌باشی که امام و مقتدای (بندگان خدا) خواهی بود. پس نظیری برای من وجود ندارد مگر تو و همانند تو نیست مگر من.» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲/۴۰۴). امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«خداوند تبارک و تعالی ... انجام بعضی چیزها را بر دستان امنای برگزیده خود قرار داد ... ایشان، فرستاده خدا و اوصیای خدا هستند که به جای ایشان قرار گرفتند. کسانی که خداوند، آنان را قرین خود و رسولش قرار داد ... و آنان وجه خداوند هستند که فرمود: (فاینما تولّوا فثمّ وجه‌الله) (به هرکجا رو کنید، وجه خدا همانجاست).» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۵۲).
در دعای ندبه در مورد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم: «کجاست وجه‌الله که اولیای الهی رو به سوی او دارند؟» (ابن مهدی، ۱۴۱۹: ۵۷۹).

از جمله روایات، روایتی است از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: «خداوند هفتاد حجاب از نور و تاریکی دارد (در روایت دیگری: «هفتصد حجاب») و در روایت دیگری «هفتاد هزار حجاب». اگر این حجاب‌ها را از وجه خود بردارد، اشعه‌های وجهش تمام مخلوقات را از بین خواهد برد.» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۴/۱۰۶).

در برخی از روایات به رؤیت وجه‌الله اشاره شده است. یکی از این روایات، روایت نبوی است که «نظر به وجه‌الله» را یکی از خصلت‌های هفت‌گانه شهید (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۱۲۲)، پاداش لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۶۰؛ همو، ۱۳۹۸: ۱۱۷) و با فضیلت‌ترین نعمت بهشتی (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۶) معرفی می‌کند. در تفسیر قمی «زیادة» در آیه (لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا

الْحُسْنَى وَزِيَادَةَ) (یونس: ۲۶) به «نظر به وجه الله» تفسیر شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۱/۳۱۱).
در برخی از ادعیه مأثور، درخواست «نظر به وجه الله» مطرح شده است (ابن طاوس، ۱۴۰۹:
۲/۶۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱/۲۲۵).

۴- اعتبارسنجی صدور روایات وجه الله در منابع شیعه

روایاتی که مشتمل بر عبارت وجه الله بودند به ترتیب ذکر شده، مورد اعتبارسنجی قرار
می‌گیرند:

۱- روایتی که مشتمل بر تمثیل عرفی وجه الله به وجه آتش (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۸۲)
می‌باشد، دارای ضعف سندی است. همه افراد این سند (محمد بن ابراهیم الفارسی؛ أحمد بن
محمد النسوی؛ أحمد بن محمد الصغدی؛ احمد بن یعقوب العسکری؛ محمد بن سنان
الحنظلی؛ عبد الله بن عاصم؛ عبدالرحمن بن قیس و اُبی هاشم الرمّانی) به غیر از دو نفر
(زاذان و سلمان) مجهولند.

۲- سند روایتی که وجه الله را «دین» معنی کرده (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۱۸)، مشتمل بر ثقات
می‌باشد: سعد بن عبدالله (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۷)؛ أحمد بن محمد اشعری (طوسی، ۱۴۲۷:
۳۵۱)؛ محمد بن اسماعیل بن بزيع (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۰)؛ منصور بن یونس بزرج (همان:
۴۱۲) و أبو حمزة ثمالی (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۰۵). اما از جهت اینکه یک نفر از سند این حدیث،
نامش مشخص نشده و تنها با عبارت «جلس لابی حمزه» (همنشین ابو حمزه) به او اشاره شده
است، دارای ضعف است.

۳- روایتی که وجه الله را «امر الله» معرفی کرده، در تفسیر امام عسکری علیه السلام است. درباره
صحت انتساب این تفسیر به امام علیه السلام اختلاف نظر وجود دارد (نوری، ۱۴۰۸: ۱۸/۵؛ تهرانی،
۱۴۰۸: ۲۸/۴؛ خویی، ۱۳۷۲: ۱۸/۱۶۱). اما همچنان که مجلسی در مشیخه فقیه فرموده
است، علت تفاوت‌های این تفسیر با سایر کلمات ائمه علیهم السلام، جو خاصی بوده که در زمان آن
امام همام وجود داشته است و باعث شده که حضرت، از عبارات خاصی استفاده کنند تا اگر به
دست عمال حکومت افتاد قابل انکار باشند. بزرگانی مثل شیخ الطائفه به این مطلب توجه
داشته‌اند؛ بنابراین این روایات را رد نکرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴/۳۵۲).

۴- روایتی که وجه الله را «مأمور به الهی» یعنی اطاعت از ائمه علیهم‌السلام معرفی کرده است (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۴۹)، صحیح‌السند می‌باشد. زیرا محمد بن علی ماجیلویه، با توجه به قرائن متعدد، ثقة است. یکی از این قرائن، ترخم صدوق برای اوست. همچنین، محمد بن یحیی العطار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳)، سهل بن زیاد الادمی (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۸۷)، أحمد بن محمد بن ابی‌نصر (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۰) و صفوان بن مهران (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۸) توثیق خاص دارند. مشابه این روایت با اختلاف الفاظ در کافی با سند صحیح نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۳). أحمد بن محمد بن خالد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶)، أحمد بن محمد بن ابی‌نصر (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۰) و صفوان بن مهران (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۸) در سلسله رجال این حدیث، توثیق شده‌اند. علامه مجلسی هم این روایت را صحیح دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۲).

۵- دو روایتی که وجه الله را «اخذ طریق اهل بیت علیهم‌السلام و طریق حق» معنی کرده بودند (برقی، ۱۹۹/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۱۴۹)، یکی ضعف سندی دارد و دیگری علی‌المبنی، صحیح‌السند است. روایت برقی، از دو جهت ضعیف است. در این روایت، محمد بن عیسی، ثقة است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۳)، عیسی بن عبید، مجهول است، ابوسعید هاشم بن حیان مکاری از وجوه واقفیه بوده (همان: ۳۸ و ۴۳۶) و آیت الله خویی او را موثق ندانسته (خویی، ۱۴۱۳: ۱۹/۲۴۳) و علامه مجلسی هم او را تضعیف کرده است (مجلسی، ۱۴۲۰: ۱۹۳)؛ اما ابن داود در جزء اول رجالش (در بخش ممدوحین) از او نام برده است (ابن داود، ۱۳۴۲: ۲۱۸). آیت الله شبیری زنجانی نیز او را شخص موثقی معرفی کرده است (نرم‌افزار درایة التور). یحیی ابوبصیر الأسدی ثقة است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۱) و حارث بن مغیره از اجلاء اصحاب است (همان: ۱۳۹).

در روایت صدوق، محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید (همان: ۳۸۳)، محمد بن الحسن بن فروخ (همان: ۳۵۴)، یعقوب بن یزید بن حماد (همان: ۴۵۰) و صفوان بن یحیی (همان: ۱۹۷) توثیق خاص دارند. درباره ابوسعید المکاری، همانطور که بیان شد، اختلاف دیدگاه وجود دارد.

۶- روایاتی که معصومین علیهم‌السلام را به عنوان مصداق وجه الله معرفی کرده‌اند، بسیار زیادند.

متن و سند این روایات مختلف است اما وجه مشترک آنها تطبیق وجه الله بر اهل بیت علیهم السلام است. برخی از این روایات عام‌ترند و برخی دیگر خاص‌تر.

أ) روایت ابصلت که «پیامبران، رسولان و حجّت‌های خداوند» را وجه الله دانسته است (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۶۰)، صحیح‌السنن می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵/۳۹۲). أحمد بن زیاد بن جعفر (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۱۹)، علی بن ابراهیم قمی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰) و عبدالسلام بن صالح أبو الصلت (همان: ۲۴۵) توثیق خاصّ دارند. ابراهیم بن هاشم قمی، دارای توثیق خاصّ نیست اما به دلایل مختلف وثاقت ایشان ثابت می‌شود (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۴؛ الفوائد الرجالية (خواجویی، ۱۴۱۳: ۶۶).

ب) روایاتی که مشتمل بر عبارت «نحن وجه الله» می‌باشند، بسیارند (صفّار، ۱۴۰۴: ۱/۶۶؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۱۵۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۴/۲۹۶؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲۲؛ حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۶۱). صفّار در بصائر، دو باب را به این مطلب اختصاص داده و هشت روایت نقل کرده است. (صفّار، ۱۴۰۴: ۱/۶۴)

روایت اول از جهت بطائنی ضعیف است. در این روایت، أحمد بن محمد بن عیسی (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۵۱)، حسین بن سعید (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۴۹)، فضالة بن ایوب الأزدي (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۰) و سیف بن عمیره النخعی (همان: ۱۸۹) توثیق شده‌اند. علی بن ابي حمزة البطائنی از رؤوس واقفیه بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۹) و علامه حلّی به تبع ابن غضائری او را به شدت تضعیف کرده است (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۲۳۱). شیخ طوسی، یحیی بن قاسم أبو بصیر الأسدي را واقفی دانسته (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۶)، اما نجاشی وی را توثیق کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۱). علامه حلّی، نسبت وقف به او را پذیرفته اما روایاتش را مورد قبول دانسته است (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۲۶۴). نفر آخر سند، تصحیف شده و در واقع الحارث بن المغیره النصری است که ثقه می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۳۹).

کلینی روایت اول را نیز با طریق ضعیف نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۵). علت ضعف سند کلینی، مجهول بودن «اسود بن سعید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۱۲۰) و مهمل بودن «محمد بن حمران بن اعین» است (ابن داود، ۱۳۴۲: ۳۰۹). سایر افراد این سند از ثقاتند: عدة

من أصحابنا، أحمد بن محمد برقی یا اشعری (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶؛ همان: ۸۱)، احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی (همان: ۷۵- طوسی، ۱۴۲۰: ۵۰) از ثقات‌اند. خصیبه در الهدایة (خصیبه، ۱۴۱۹: ۲۴۲) و مسعودی در اثبات الوصیة (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۷۷)، به صورت مرسل، این روایت اول را نقل کرده‌اند.

روایت دوم از جهت مجهول بودن علی بن محمد الحجاج و مهمل بودن صالح بن السندی (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۴۴؛ همو، ۱۴۲۷: ۴۲۸) و سلام بن المستنیر الجعفی (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۱۵) دارای ضعف سندی است. هرچند، مامقانی بر اساس روایت کشف الغمّة، السندی و الحجاج را جزء حسان برشمرده است (مامقانی، بی تا: ۲/ قسم اول، ۹۲ و ۳۰۳). در این سند، الحسین، تصحیف الحسن بن محبوب السراد است. شیخ، وی را توثیق کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲). محمد بن علی بن النعمان نیز شخصی ثقة است (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۱۳۸). روایت سوم از چند جهت دارای ضعف سندی است. در این روایت، یعقوب بن یزید الانباری (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵۰) و محمد بن ابی عمیر زیاد (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۶) افراد موثقی هستند. عنوان «منصور» مشترک است بین منصور بن حازم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۳) و منصور بن یونس (همان: ۴۱۲) که هر دو ثقة‌اند. مجهول بودن «جلیس له» (همنشین منصور) هم سبب ضعف است.

روایت چهارم به دلیل مجهول بودن «ابی سلام النحاس» (بسام مرتضی، ۱۴۲۶: ۲/ ۶۱۶)، دچار ضعف سندی است. أحمد بن محمد بن عیسی (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۵۱)، الحسین بن سعید (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۴۹)، علی بن حدید بن حکیم (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۲۳۴) و علی بن ابی المغیره الزبیدی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۹) مورد وثوقند. سورة بن کلیب الأسدی، توثیق خاصی ندارد (مامقانی، بی تا: ۳/ ۳۱۷)؛ اما بنابر برخی قرائن می‌توان حسن اعتقاد ایشان را کشف نمود (خویی، ۱۳۷۲: ۹/ ۳۳۷).

این روایت در تفسیر قمی (قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۷۷) با سندی ضعیف و در تفسیر عیاشی (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۴۹) به صورت مرسل، نقل شده است. در سند قمی، محبوب بن سیار مجهول است.

همه رجال روایت پنجم ثقه هستند: أحمد بن محمد بن عیسی (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۵۱)؛
الحسین بن سعید (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۴۹)؛ محمد بن اسماعیل بن بزیر (نجاشی، ۱۳۶۵:
۳۳۰)؛ منصور بن یونس بزرج (همان: ۴۱۲)؛ ثابت بن اَبی صفیة أبو حمزة (همان: ۱۱۵).
ظاهراً سند روایت ششم، همان سند اول است که برای اختصار از برخی رجال آن با عبارت
«بعض اصحابنا» تعبیر شده است.

در سند روایت هفتم، محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۴) و هارون
بن خارجه (همان: ۴۳۷) توثیق خاص دارند. اما موسی بن سعدان الحنّاط، ضعیف است و
نسبت غلوّ به او داده شده است (همان: ۴۰۴). عبدالله بن القاسم بن الحارث الحضرمی
کذاب و غالی بوده است (همان: ۲۲۶).

در روایت هشتم، اَبی سلام مجهول است. آخرین نفر سند هم معلوم نیست. احتمالاً همان
سورة بن کلیب است؛ زیرا این روایت همان روایت چهارم است که سند مختصرتری دارد. این
روایت را کلینی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۳) و صدوق (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۵۰) با اسناد ضعیف
نقل کرده‌اند. در روایت کلینی، صدر سند (محمد بن یحیی، أحمد بن محمد بن عیسی و
محمد بن سنان) طریق صحیحی دارد اما از جهت اَبی سلام نخّاس و بعض اصحابنا دچار
ضعف سندی است (مجهول و مرسل است).

سند صدوق، مانند سند کلینی است. محقق خوبی، أحمد بن محمد بن یحیی العطار را
مجهول دانسته است (خوبی، ۱۳۷۳: ۳/۱۲۲)؛ اما قرائن بسیاری بر وثاقت او دلالت دارد
(مامقانی، بی تا: ۱/۹۵). محمد بن یحیی العطار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳) و یعقوب بن یزید
الأنباری (همان: ۴۵۰) مورد وثوقند. سهل بن زیاد الآدمی، توسط نجاشی (همان: ۱۸۵) و
شیخ، در فهرست (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۲۸) تضعیف شده است؛ اما شیخ در رجال او را توثیق
کرده (همو، ۱۴۲۷: ۳۸۷). محمد بن سنان، مورد اختلاف است. شیخ طوسی و نجاشی وی را
تضعیف کرده‌اند اما شیخ مفید او را توثیق کرده است (علامه حلّی، ۲۵۱). این روایت از
جهت اَبی سلام و بعض اصحابنا دچار جهل و ارسال است.

شیخ صدوق روایت دیگری با سند صحیح در این باره نقل فرموده است (صدوق، ۱۳۹۸:

۱۵۰). محمد بن یحیی العطار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳)، سهل بن زیاد (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۸۷)، أحمد بن محمد بن أبي نصر (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۰) و صفوان الجمال (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۸) توثیق خاص دارند. محمد بن علی ماجیلویه، توثیق خاصی ندارد اما از قرائن بسیاری وثاقت ایشان قابل برداشت است (مامقانی، بی تا: ۱۵۹/۳).

ج) روایت طبرسی که وجه الله را پیامبر و جانشینان ایشان علیهم السلام معرفی کرده، بدون ذکر سند است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۵۲/۱).

د) روایتی که وجه الله را «پیامبر و امیرالمؤمنین علیهم السلام» معرفی کرده، (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۵۱) با توجه به وضعیت راویان آن صحیح السند است؛

علی بن الحسین بن موسی (رجال النجاشی، بی تا: ۲۶۱، ش ۶۸۴)، سعد بن عبدالله بن ابی خلف (رجال النجاشی، بی تا: ۱۷۷، ش ۴۶۷)، أحمد بن محمد بن عیسی (رجال الطوسی، بی تا: ۳۵۱، ش ۵۱۹۷)، علی بن سیف بن عمیره (رجال النجاشی، بی تا: ۲۷۸، ش ۷۲۹)؛ الحسین بن سیف بن عمیره (به دلیل کثرت روایت اجلاء ثقه است)، سیف بن عمیره (فهرست الطوسی، بی تا: ۲۲۴، ش ۳۳۳) و خیشمة بن عبدالرحمن، (امامی ثقه است) (الخلاصة للحلی، بی تا: ۶۶، ش ۸).

ه) روایت حافظ برسی که وجه الله را «امام» معرفی کرده است (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۱۷۷)، ضعیف السند می باشد. زیرا بدون ذکر سلسله اسناد از طارق بن شهاب از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است. این شخص مجهول است (مهیزی، ۱۳۸۰: ۱۹/۵۱۸).

و) روایت ابن شهر آشوب که امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق وجه الله دانسته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۲۷۲)، ضعیف السند می باشد. زیرا سلسله اسناد حذف شده و فقط ابوالمضاء از امام رضا علیه السلام ذکر شده است. این شخص مجهول است.

دیلمی با سند مرفوع مجهول (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲/۴۰۴)، از زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: «انت وجه الله». در این سند، محمد بن ثابت مجهول است (قهپایی، ۱۳۶۴: ۵/۱۷۱).

همین مطلب را استرآبادی با سند مرسل نقل کرده است (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۴۹). در این

سند، المفصل بن محمد المهلبی و محمد بن ثابت هر دو مجهول اند (مامقانی، بی تا: ۲/۳: ۲۴۳). عبارت «انا وجه الله» در خطبه افتخاریه امیرالمومنین علیه السلام آمده است. این خطبه را آملی بدون ذکر سند آورده است (آملی، ۱۳۵۲: ۲۰۳؛ همو، ۱۴۲۲: ۲/۴۰۸). اما بر اساس روش تبعیض فقرات نصّ، تک تک فرازهای این خطبه با مضامین روایی قابل انطباق است (آملی، ۱۴۲۲: ۱/۲۱۴، حاشیه سیّد محسن موسوی تبریزی) از جمله همین عبارت که با روایات یادشده، قابل تأیید است.

ز) دعای ندبه که امام زمان علیه السلام را وجه الله معرفی فرموده، در کتب ادعیه بدون استناد به معصوم علیه السلام نقل شده است. ابن مشهدی این دعا را از طریق «محمد بن علی بن یعقوب القنائی» نقل کرده که هم دوره ای نجاشی بوده و نجاشی نیز به وثاقت او شهادت داده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۸). قنائی، اصل این دعا را از کتاب «محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری» نقل کرده است. این شخص، مجهول است اما در مشیخه تهذیب و استبصار به روایات او از احمد بن ادريس، اشاره شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۵، در المشیخه؛ همو، ۱۳۹۰: ۳۱۲، در المشیخه). شیخ مفید هم از کتاب او نقل کرده است (خویی، ۱۳۷۲: ۱۶/۹). ابن طاووس در اقبال الأعمال، بدون ذکر منبع، آن را نقل کرده است (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱/۲۹۵). وی در جمال الأسبوع (همو، ۱۳۳۰: ۵۵۳) و مجلسی در زاد المعاد (مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰۳) سند آن را معتبر ارزیابی کرده است.

از بین روایات مربوط به رؤیت وجه الله، روایت تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۲/۶)، از نظر علامه مجلسی موثق است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۱۹/۹). محمد بن الحسن الصفّار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴)، عبدالله بن المنبّه (همان: ۴۲۱) و زید بن علی (ابن داود، ۱۳۴۲: ۱۶۴) موثّقند. الحسین بن علوان الکلبی، عامی مذهب بوده و توسط نجاشی، توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۵۲). عمرو بن خالد الواسطی، بتری مذهب بوده است (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۴۲).

روایت هروی (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۶۰) صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵/۳۹۲). أحمد بن زیاد بن جعفر (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۱۹)، علی بن ابراهیم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰) و عبدالسلام بن صالح أبو الصلت (همان: ۲۴۵) توثیق خاصّ دارند. ابراهیم بن هاشم، به دلایل

مختلف وثاقتش ثابت می‌شود (علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۴).

روایت ابی بصیر (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۶) به دلیل ارسال، ضعیف السند است. روایت ابن طاووس، بدون ذکر سند از کتاب المختصر من المنتخب نقل شده است (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲/۶۲۰) و مشابه این تعبیر را مجلسی از کتاب اختیار ابن الباقری آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۵/۹۱).

نتیجه‌گیری

از جمله غرر آیات قرآن کریم، آیه ۱۱۵ از سوره بقره و آیه ۸۸ سوره قصص است که مشتمل بر عنوان «وجه الله» می‌باشد. این آیات در مباحث عرفان نظری و حکمت متعالیه در تبیین نفس رحمانی و مقام انسان کامل مورد استناد قرار می‌گیرند. در تفسیر این آیات، روایات فراوانی در منابع شیعی وارد شده است که با وجود اهمیّت آنها، مورد دسته‌بندی و اعتبارسنجی صدور قرار نگرفته‌اند. در مقاله حاضر، ابتدا به جمع‌آوری و دسته‌بندی روایات وجه الله پرداختیم و سپس این روایات را به روش رجالی، سندپژوهی و اعتبارسنجی صدور کردیم. در مجموع، تعداد ۳۱ روایت در تفسیر وجه الله دسته‌بندی شد. از این تعداد، ۱۵ روایت مربوط به تطبیق وجه الله بر معصومین علیهم‌السلام است که جمعاً ۲۷ سند مختلف دارند و در معتبرترین کتاب‌های روایی شیعی نقل شده‌اند. تعبیر مختلفی درباره منطبق علیه وجه الله وجود دارد که برخی عام و برخی خاصند. از جمله: پیامبران، رسولان و حجّت‌های خداوند، پیامبر اکرم و جانشینان ایشان، امیرالمؤمنین، امام و امام زمان علیهم‌السلام.

نتایج حاصل از اعتبارسنجی صدور این روایات بدین شرح است:

۱. روایتی که مشتمل بر «تمثیل عرفی وجه الله به وجه آتش» می‌باشد، مجهول است.
۲. روایتی که وجه الله را «دین» معنی کرده، ضعیف است.
۳. روایتی که وجه الله را «امر الله» معرفی کرده، علی‌المبنی معتبر است چون در تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام است.
۴. روایتی که وجه الله را «مأمور به الهی» یعنی اطاعت از ائمه علیهم‌السلام معرفی کرده است، صحیح السند است.

۵. دو روایتی که وجه الله را «اخذ طریق اهل بیت عليهم السلام و طریق حق» معنی کرده بودند، یکی ضعف سندی دارد و دیگری علی المبنی، صحیح السند است.
۶. روایاتی که «معصومین عليهم السلام» را به عنوان مصداق وجه الله معرفی کرده اند، بسیار زیادند. روایت اباصلت که «پیامبران، رسولان و حجّت های خداوند عليهم السلام» را وجه الله دانسته است صحیح السند می باشد.
۷. روایاتی که مشتمل بر عبارت «نحن وجه الله» می باشند، بسیارند. دو سند صحیح در این میان وجود دارد.
۸. روایتی که وجه الله را «پیامبر و امیرالمؤمنین عليه السلام» معرفی کرده، صحیح السند است.
۹. روایت حافظ برسی که وجه الله را «امام» معرفی کرده است و روایت ابن شهر آشوب که «امیرالمؤمنین عليه السلام» را مصداق وجه الله دانسته، مرسله است.
۱۰. دیلمی با سند مرفوع مجهول از زبان رسول اکرم صلى الله عليه وآله خطاب به امیرالمؤمنین عليه السلام روایت کرده اند که فرمود: «انت وجه الله». استرآبادی با سند مرسل آنرا نقل کرده است.
۱۱. عبارت «انا وجه الله» در خطبه افتخاریه امیرالمؤمنین عليه السلام آمده است. این خطبه را آملی بدون ذکر سند آورده است. اما بر اساس روش تبعیض فقرات نصّ، تک تک فرازهای این خطبه با مضامین روایی قابل انطباق است.
۱۲. دعای ندبه که امام زمان عليه السلام را وجه الله معرفی فرموده، در کتب ادعیه بدون استناد به معصوم عليه السلام نقل شده است. سید بن طاوس در جمال الأسبوع و مجلسی در زاد المعاد سند آن را معتبر ارزیابی کرده است.
۱۳. روایات مربوط به رویت وجه الله صحیح، و برخی موثّقند و برخی دیگر ضعیف السند هستند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق). عوالي اللّثالي العزیزية في الأحادیث الدّینیة. مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول.

۳. ابن داود، حسن بن علی حلی (۱۳۴۲ق). کتاب الرجال. قم: دانشگاه تهران، چاپ اول.
۴. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷م). جمهرة اللّغة. بیروت: دارالعلم للملّیین، چاپ اول.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
۶. _____ (۱۳۳۰ق). جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع. قم: دارالرضی، چاپ اول.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبي طالب عليه السلام. قم: علامه، چاپ اول.
۸. ابن عربی، محی الدّین (بی تا). الفتوحات المکیة. بیروت: دارالصادر، چاپ اول.
۹. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الكبير. جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۰. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق). تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. حسین استاد ولی، قم: مؤسسه النّشر الإسلامی، چاپ اول.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۶ق). فرائد الأصول. قم: مؤسسه النّشر الإسلامی، چاپ پنجم.
۱۲. آملی، سیّد حیدر (۱۳۵۲ش). المقدمات من کتاب نص التّصوص. تهران: قسمت ایرانشناسی انستیتو ایران و فرانسه پژوهش‌های علمی در ایران، چاپ اول.
۱۳. آملی، سیّد حیدر (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم. سید محسن موسوی تبریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
۱۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش). البرهان في تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثت، چاپ اول.
۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، جلال الدّین محدث. قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
۱۶. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۶ق). کتاب المطول و بهامشه حاشیة السّید میرشریف.

- قم: مكتبة الداوری، چاپ چهارم.
۱۷. تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶م). موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم. بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، چاپ اول.
۱۸. تهرانی، آقا بزگ (۱۴۰۸ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعة. قم: اسماعیلیان قم، چاپ اول.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش). تفسیر تسنیم، علی اسلامی. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ نهم.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
۲۱. حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ق). مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنین علیه السلام. علی عاشور، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۲۲. حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام. قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول.
۲۳. الحکیم، سعاد (بی تا). المعجم الصوفی. بیروت: دندرة لطباعة و النشر، چاپ اول.
۲۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). شمس العلوم، مطهر بن علی اریانی و یوسف محمد عبدالله و حسین بن عبدالله عمری. دمشق: دار الفکر، چاپ اول.
۲۵. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر. عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: بیدار، چاپ اول.
۲۶. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). الهدایة الكبرى. بیروت: البلاغ، چاپ اول.
۲۷. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶ش). شرح دعاء السحر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ چهارم.
۲۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام، چاپ اول.
۲۹. _____ (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث. قم: مرکز نشر الثقافة

الاسلامية، چاپ پنجم.

۳۰. خواجوی، اسماعیل بن محمد حسین (۱۴۱۳ق). الفوائد الرجالية. مهدی رجایی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.

۳۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: الشریف الرضی، چاپ اول.

۳۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶ش). مقدمة الأدب. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول.

۳۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). الإلتقان في علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم.

۳۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶ش). الامالی. تهران: کتابچی، چاپ ششم.

۳۵. _____ (۱۳۹۸ق). التوحید، هاشم حسینی. قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، چاپ اول.

۳۶. _____ (بی تا). اسرار التوحید (ترجمه توحید صدوق). محمدعلی اردکانی، تهران: انتشارات علمیّه اسلامیّه، چاپ اول.

۳۷. صفّار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرّجات في فضائل آل محمّد سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی رحمته، چاپ دوم.

۳۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان في تفسير القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

۳۹. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول.

۴۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان في تفسير القرآن. فضل الله یزدی طباطبایی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

۴۱. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار في غرر الأخبار. نجف: المکتبه الحیدریّه، چاپ دوم.

٤٢. طوسى، محمد بن الحسن (بى تا). التبيان فى تفسير القرآن. احمد حبيب عاملى، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ اول.
٤٣. _____ (١٤٢٠ق). الفهرست. سيد عبدالعزیز طباطبایى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائى، چاپ اول.
٤٤. _____ (١٤٢٧ق). رجال طوسى. جواد قیومى اصفهانى، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ سوم.
٤٥. (١٤٠٧ق). تهذیب الأحكام. حسن الموسوى خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
٤٦. _____ (١٣٩٠ق). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار. حسن الموسوى خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول.
٤٧. علامه حلى، حسن بن يوسف (١٤٠٢ق). رجال العلامة الحلى (الخلاصة). سيد محمدصادق بحر العلوم، قم: الشریف الرضى، چاپ دوم.
٤٨. عیاشى، محمد بن مسعود (١٣٨٠ق). تفسير العیاشی. سيد هاشم رسولی محلاتى، تهران: المطبعة العلمیة، چاپ اول.
٤٩. فراهیدى، خليل بن احمد (١٤١٠ق). كتاب العين. قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
٥٠. قمى، على بن ابراهيم (١٤٠٤ق). تفسير القمى. طیب موسوى جزائرى، قم: دارالكتاب، چاپ سوم.
٥١. قهپایى، عنایت الله (١٣٦٤ش). مجمع الرجال. ضیاء الدین علامه، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم.
٥٢. کاشانى، فتح الله (١٣٤٦ش). تفسير منهج الصادقین. ابوالحسن شعرانى، تهران: کتابفروشى اسلامیه، چاپ اول.
٥٣. کلینى، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق). الكافي. على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
٥٤. مامقانى، عبدالله (بى تا). تنقيح المقال فى علم الرجال (رحلى). نجف: مطبعة

المرتضوية، چاپ اول.

۵۵. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق). روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه. حسين موسى كرماني و علي پناه اشتهاړدي، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور، چاپ دوم.

۵۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم.

۵۷. _____ (۱۴۰۴ق). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ﷺ. سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ دوم.

۵۸. _____ (۱۴۲۰ق). الوجيز في الرجال. رحمان ستايش، تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی، چاپ اول.

۵۹. _____ (۱۴۲۳ق). زاد المعاد- مفتاح الجنان. علاء الدين اعلمی، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ اول.

۶۰. _____ (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخبار في فهم تهذيب الأخبار. رجائي، مهدي، قم: كتابخانه آيه الله مرعشي نجفی، چاپ اول.

۶۱. مرتضی، بسام (۱۴۲۶ق). زبدة المقال من معجم الرجال. بيروت: دارالمحبة البيضاء، چاپ اول.

۶۲. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۱ش). اثبات الوصية، قم: انصاريان، چاپ سوم.

۶۳. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ش). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: مركز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول.

۶۴. معرفت، محمد هادي (۱۳۷۹ش). تفسير و مفسران، خياط و نصيري، قم: مؤسسه فرهنگي التمهيد، چاپ دوم.

۶۵. مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ سي و دوم.

۶۶. ملكي اصفهاني، مجتبي (۱۳۷۹ش). فرهنگ اصطلاحات اصول، قم: عالمه، چاپ اول.

۶۷. مهريزي، مهدي (۱۳۸۰ش). ميراث حديث شيعه، علي صدرابي خويي، قم:

دارالحديث، چاپ اول.

٦٨. نجاشی، احمد بن علی (١٣٦٥ش). رجال نجاشی، موسی شیبیری زنجانی، قم:

جامعه مدرسین حوزه علمیّه، چاپ ششم.

٦٩. نوری، حسین بن محمد تقی (١٤٠٨ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم:

مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.

٧٠. یزدان پناه، سیّد یدالله (١٣٩٣ش). مبانی و اصول عرفان نظری، انزلی، سیّد عطاء،

قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ پنجم.

٧١. یزدی، مولی عبد الله بن شهاب الدین الحسین (١٤١٢ق). الحاشیة علی تهذیب

المنطق. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم.